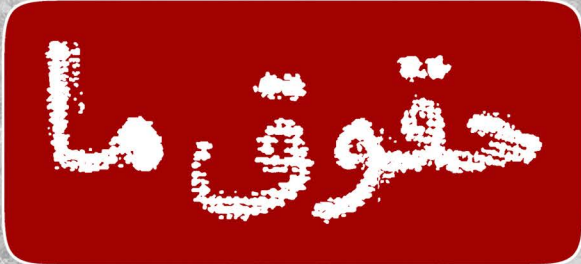
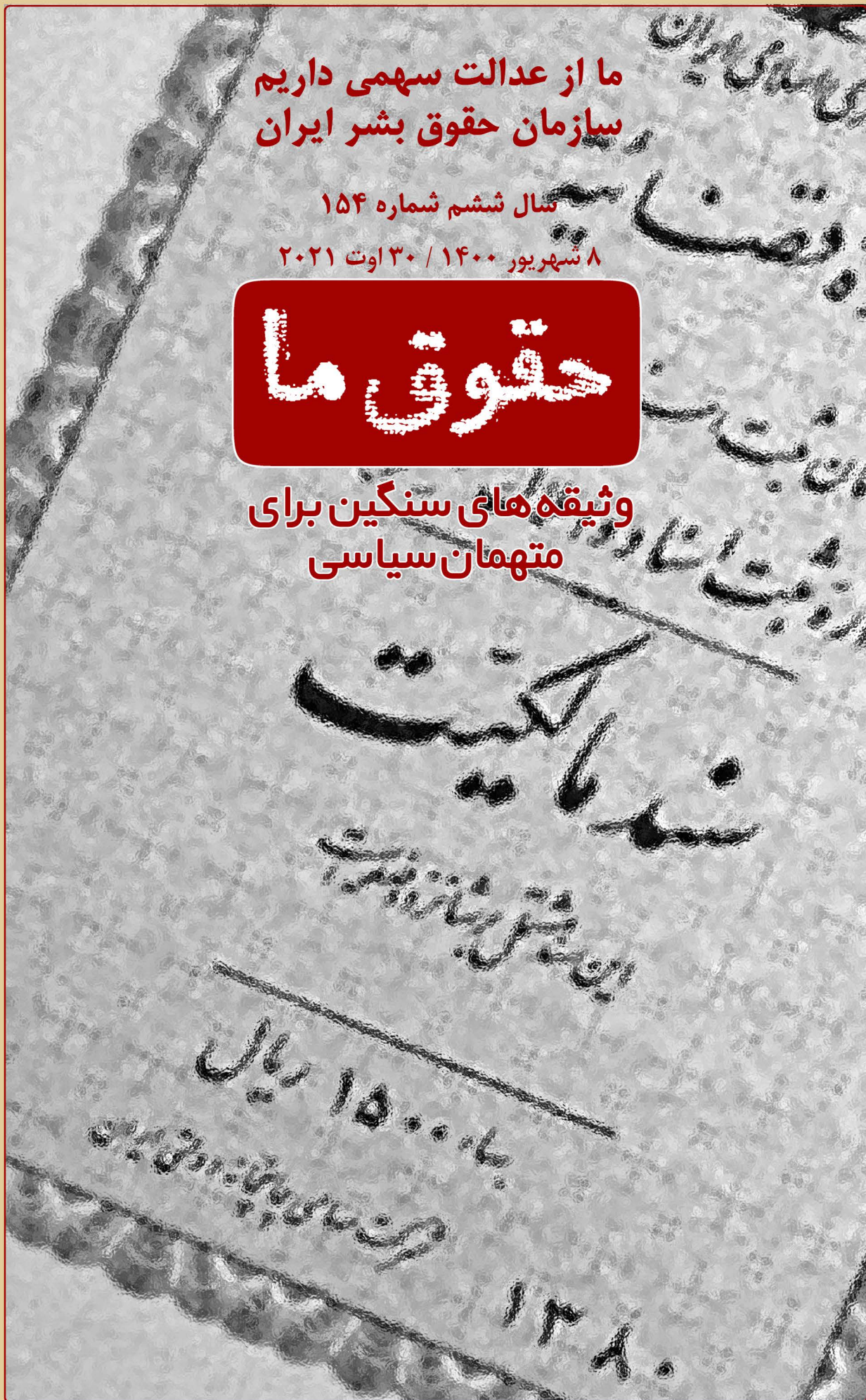


ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۵۴
۸ شهریور ۱۴۰۰ / ۳۰ اوت ۲۰۲۱



وثیقه‌های سنگین برای
متهمان سیاسی



در این شماره می‌خوانید:

وثیقه سنگین، باری مضاعف بر شانه متهمان سیاسی

فرهاد ثابتان: صدور وثیقه‌های سنگین روند رسیدگی به پرونده بهاییان را ناعادلانه تر می‌کند

صدور وثیقه‌های سنگین برای متهمان سیاسی؛ غیر قانونی و برخلاف روح قوانین

حسن نایب هاشم: وقتی وثیقه ابزار گروگان‌گیری است؛ باید با قوانین ناعادلانه مقابله کرد

پروین محمدی: وثیقه‌های سنگین نتوانست اعتراضات کارگران را متوقف کند

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نقی محمودی، جواد عباسی تولی (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه بندی: مهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

وثیقه سنگین، باری مضاعف بر شانه متهمان سیاسی



نقی محمودی

اجتماعی در راستای بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه است، نباید مجازاتی برای آنها اعمال شود و در صورت اعمال مجازات بایستی مجازات خفیفی در نظر گرفته شود و تأمین‌های ماخوذه هم بایستی بسیار خفیف‌تر نسبت به متهمان عادی باشد. در دادگستری جمهوری اسلامی ایران، مثل بسیاری از حوزه‌ها و مسائل دیگر، با عدم رعایت این اصل مهم مواجه هستیم. دوائر امنیتی و دادگستری، از قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضائی شدید و نامتناسب و نامتعارف در مورد متهمان سیاسی استفاده کرده و آن را به اهرم فشار دیگری بر این گونه متهمان تبدیل می‌کنند.

انواع قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضائی

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضائی را به شرح ذیل عنوان کرده است: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف

ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله

خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

التزام به حضور با قول شرف:

التزام به حضور با قول شرف، خفیف‌ترین قرار تأمین کیفری است. به موجب این قرار متهم با قول شرف ملتزم می‌شود تا در صورت احضار، نزد مقام قضایی حضور یابد. این قرار باید در جرائم کم‌اهمیت و در مورد متهمی صادر شود که خصوصیات اخلاقی و اجتماعی او بیانگر پایبندی او به این قول است. متأسفانه ضمانت اجرایی برای عدم پایبندی متهم به این قول و تعهد در نظر گرفته نشده است و تنها ممکن است مرجع قضایی اقدام به صدور قرار تأمین شدیدتری نماید.

التزام به حضور با تعیین وجه التزام:

در قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام، متهم متعهد می‌شود که اگر از تعهد خود مبنی بر حضور در مرجع قضایی تخلف کند و در زمان احضار، حاضر نشود، مبلغ معینی را که از سوی مقام قضایی تعیین می‌شود به صندوق دولت بپردازد. این مبلغ معین همان وجه التزام است.

در قرار التزام به حضور با قول شرف، متهم متعهد می‌گردد که بدون اجازه ی مقام قضایی از حوزه‌ی قضایی خارج نشود و در صورت احضار، نزد مرجع حاضر گردد. برای عدم اجرای این قرار از ناحیه متهم ضمانت اجرایی تعیین نشده است. پس مقام قضایی باید در جرائم کم‌اهمیت‌تر که شخصیت و وضعیت متهم نشان‌دهنده‌ی پایبندی او به تعهداتش باشد، اقدام به صدور این قرار نماید.

در قرار التزام به عدم خروج از حوزه‌ی قضایی با تعیین وجه التزام، متهم متعهد می‌گردد که اگر از تعهد خود مبنی بر عدم خروج

از حوزه‌ی قضایی یا حضور نزد مرجع قضایی در مواقع احضار سرپیچی نمود، مبلغ معینی را که از سوی مقام قضایی تعیین می‌شود به صندوق دولت بپردازد. منظور از مبلغ معین وجه التزام است.

به موجب این قرار متهم متعهد می‌شود که به صورت هفتگی یا ماهانه، خود را به مرجع قضایی یا انتظامی معرفی نماید. اگر متهم از این تعهد خود خودداری کند باید مبلغ معینی را به عنوان وجه التزام به صندوق دولت بپردازد.

التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم، پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق متهم از سازمان مربوطه:

در این قرار متهم متعهد می‌شود که در صورت احضار نزد مقام قضایی حاضر شود. اگر متهم به تعهد خود پایبند نباشد باید مبلغ معینی را به عنوان وجه التزام از محل حقوق خود به صندوق دولت بپردازد. صدور این قرار نیازمند موافقت متهم است.

التزام به عدم خروج از محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت مذکور:

همان‌طور که از نام این قرار مشخص است، با صدور این قرار متهم متعهد می‌شود که از محل اقامت خود خارج نشود و در صورت احضار، نزد مقام قضایی حاضر شود. در این صورت با استفاده از تجهیزات الکترونیکی، نظیر پابند یا دستبند، عدم خروج متهم از محل اقامت او کنترل می‌شود. البته ممکن است از این تجهیزات برای نظارت استفاده نشود. در این قرار هم برای متهم وجه التزام معین می‌شود و در صورت سرپیچی متهم از تعهد خود، این مبلغ باید به صندوق دولت پرداخت شود. این قرار با موافقت متهم صادر می‌شود.

قرار کفالت:

با صدور قرار کفالت، شخصی به عنوان کفیل تعهد می‌کند که متهم را در زمان معینی نزد مقام قضایی حاضر کند. در واقع در هر بار احضار، مقام قضایی به کفیل ابلاغ می‌کند که متهم را نزد او ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ حاضر کند. در صورت تخلف کفیل از این تعهد، مبلغ معینی به عنوان وجه الكفاله از او دریافت خواهد شد.

اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول:

قرار وثیقه، از قراردادهای تأمین قبلی شدیدتر است. با صدور این قرار متهم تعهد می‌کند که در صورت احضار نزد مقام قضایی حاضر شود. اگر متهم از این تعهد تخلف کند، وثیقه سپرده شده ضبط می‌شود. به محض صدور قرار اخذ وثیقه، عین مال توقیف می‌شود. یا اگر وجه نقد باشد، به صندوق دادگستری سپرده می‌شود. مال مورد وثیقه الزاماً باید وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول باشد.

بازداشت موقت:

شدیدترین قرار تأمین کیفری، قرار بازداشت موقت است. با صدور این قرار آزادی متهم در طول تمام یا قسمتی از مرحله تحقیقات مقدماتی یا دادرسی سلب می‌شود. صدور قرار بازداشت موقت، تنها در جرائم خاصی، با وجود شرایط معین شده از طرف قانونگذار امکان پذیر است و در خصوص هر جرمی نمی‌توان آن را صادر نمود.

شرایط و محدودیت‌های قراردادهای تأمین کیفری و نظارت قضائی: هر گونه محدودیت نسبت به آزادی‌های فردی شهروندان و همچنین اموال آنها قبل از صدور حکم قطعی لازم الاجرا، برخلاف اصل براءت و احترام به آزادی‌های فردی است.

اما ضرورت رعایت حقوق و حفظ نظم عمومی جامعه، حفظ و رعایت حقوق قربانیان جرم، عدالت توضیحی، رعایت موازنه بین حقوق متهم و قربانی جرم و در نهایت اجرای عدالت، قانونگذار را بر آن داشته که اجازتی ایجاد چنین محدودیت‌هایی را در مورد متهم در قالب صدور قرار تأمین بدهد ولی برای حفظ و رعایت موارد فوق، قانونگذار در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به رعایت تناسب قرار تأمین، با موارد عدیده ای متذکر شده است: قرار تأمین و نظارت قضائی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

ماده‌ی فوق الذکر صرفاً به تناسب میان قرار تأمین و جرم ارتكابی اکتفا نکرده و معتقد است که این تناسب باید در رابطه با نظارت قضائی هم رعایت شود.

تبصره- اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه



چهار به بالا است. محکومیت انتظامی درجه ۴، عبارت است از کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یکسال

البته ماده ۲۵۰ صرفاً به تناسب میان قرار تأمین و جرم ارتكابی اکتفا نکرده و معتقد است که این تناسب باید در رابطه با نظارت قضائی هم رعایت شود.

ضوابطی که در ماده فوق آمده ضوابط عام تناسب تأمین و نظارت قضائی، در مقابل ضوابط خاص هستند.

الف) ضوابط عام

۱- نوع و اهمیت جرم: اهمیت جرم در قوانین موجود تعریف نشده است ولی می‌توان گفت منظور از اهمیت جرم، قبح اجتماعی عمل ارتكابی و اثری است که وقوع بزه در جامعه به وجود می‌آورد و نیز اهمیت جرم را نباید با میزان مجازات یکی دانست چون قانونگذار این دو را تفکیک کرده است.

۲- شدت مجازات: تأمین شدید برای جرائمی است که مجازات شدید دارند در برخی موارد شناخت مجازات شدید از خفیف به

حقیقت و اجرای عدالت، اساسی باشد قرار بازداشت موقت، تأمین متناسبی خواهد بود.

۶- سوء سابقه‌ی متهم: باید از متهمینی که سابقه‌ی ارتكاب جرم و یا محکومیت کیفری دارند تأمین شدیدتری از متهمی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده است اخذ کرد.

البته در مورد تأثیر سابقه بر میزان و نوع تأمین و نظارت قضائی، بایستی به عمدی و غیرعمدی بودن جرم توجه شود و به نظر می‌رسد سابقه‌ی ارتكاب جرایم غیرعمدی نباید موجب اخذ تأمین شدید شود.

۷- وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت متهم: ابتلای متهم به بیماری‌های روحی یا جسمی، از حیث حقوق انسانی بیمار و حقوق سایرین به لحاظ پیشگیری از سرایت، در نوع تأمین مؤثر است و همچنین سن متهم از لحاظ پیری و صغیر بودن در نوع تأمین مؤثر خواهد بود به طوری که قانونگذار برای اطفال مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی کرده است. جنس متهم هم یکی از موارد تاثیرگذار در صدور قرار تأمین کیفری و نظارت قضائی است. صدور قراردادهای شدید برای زنان خاصه زنان حامله و صاحب فرزندان شیرخوار و کودک خردسال، سلامت جسمی و روحی مادر و فرزند را در معرض خطر قرار می‌دهد. منظور از حیثیت متهم، شخصیت اجتماعی، شغل، تحصیلات و موارد دیگری است که باید در کنار سایر ضوابط مورد توجه قاضی صادر کننده قرار تأمین و نظارت قضائی، قرار گیرد.

ب) ضوابط خاص

در برخی موارد قانونگذار برای برخی جرایم صدور قرار تأمین خاصی را ضروری می‌داند یا شرایط ویژه‌ای برای تأمین خاص پیش‌بینی می‌کند که در قوانین مختلف پراکنده است بطور مثال:

۱- به موجب تبصره ۴ ماده ۳ و تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب سال ۱۳۶۷، هرگاه میزان رشوه بیش از مبلغ دو بیست هزار ریال و مبلغ اختلاس بیش از ده هزار ریال باشد صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است.

همچنین مبلغ وثیقه یا وجه الكفاله یا وجه الالتزام نباید در هر حال کمتر از خسارت‌هایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند. و نیز مدت قرار بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز نماید.

سادگی امکان پذیر نیست. مثلاً اظهارنظر در مورد شدت بیست ضربه شلاق و یا دو ماه حبس نسبت به یک میلیون تومان جزای نقدی با توجه به وضعیت متفاوت فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشخاص متهم مشکل است.

۳- ادله و اسباب اتهام: قرار تأمین و نظارت قضائی، باید با میزان و ارزش دلایلی که برای انتساب اتهام به متهم نزد مقام قضائی اقامه شده تناسب داشته باشد هر چند که نوع اتهام و مجازات آن شدید باشد نباید تأمین و نظارت قضائی شدید باشد.

۴- احتمال فرار متهم: با توجه به اینکه فرار متهم موجب تضییع حقوق قربانی جرم و برهم خوردن نظم عمومی می‌شود، قرار تأمین و نظارت قضائی، باید به نحوی انتخاب شود که از فرار و یا مخفی شدن متهم جلوگیری کرده و قاضی مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که نوع و میزان تأمین و نظارت قضائی برای متهم چنان بازدارنده باشد که او را از فرار یا مخفی شدن باز دارد.

۵- جلوگیری از امحاء آثار جرم: در مواردی که آزادی متهم موجب امحاء آثار و دلایل جرم می‌شود و آثار و دلایل مذکور برای کشف

جرم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران:

پس از سال‌های طولانی و طرح مباحث زیاد در مجلس و نشریات و کش و قوس‌های مختلف، نهایتاً قانون جرم سیاسی مشتمل بر شش ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.

به جای تعریف جرم سیاسی در قانون مذکور و تعیین حدود و ثغور آن، صرفاً به مصادیقی از جرائم عادی اشاره شده است که در صورت دارا بودن شرایط مندرج در ماده یک همین قانون، جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۱. هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۲. جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند. الف. توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان. ب. توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. پ. جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷. ت. جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات. ث. نشر اکاذیب

نتیجه‌گیری

طبق ماده ۵ قانون جرم سیاسی «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده طی فرآیند در این مورد اظهار نظر می‌نماید.

شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.

در این ماده، متهم حق دارد تا نسبت به «غیر سیاسی» بودن اتهام خود ایراد و اعتراض کند ولی عکس این حالت یعنی اعتراض به سیاسی بودن اتهام از سوی متهم، امکان‌پذیر نیست!

قانون جرم سیاسی به سان قانون حفظ حقوق شهروندی دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی یا منشور شهروندی دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، فقط مصرف تبلیغاتی داشته و عملاً تا به امروز که شش سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن سپری شده، در مورد هیچ متهم سیاسی اعمال و استفاده نشده است و متهمان سیاسی، همچنان با عناوین ضد انقلاب و متهمان علیه امنیت نامیده می‌شوند. بی‌شک بدون رسمیت شناخته شدن جرم سیاسی، حفظ و رعایت حقوق متهمان سیاسی، چه در مرحله‌ی بازپرسی و محاکمه و چه در دوران حبس نیز، محلی از اعراب ندارد.

دوائر امنیتی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران، به شیوه‌های مختلف به متهمان سیاسی اعمال فشار می‌کنند و فشار از طریق صدور وثیقه‌های سنگین، یکی از این طرق است. اکثر فعالان سیاسی، جزء طبقات پائین و یا متوسط جامعه از لحاظ مادی هستند و بی‌شک توثیق وثیقه‌های سنگین اعم از نقدی و غیر نقدی، دشواری‌های مختلفی را برای آنها، خانواده و وثیقه‌گذارانشان ایجاد می‌کند.

قطعا صدور قرارهای تأمین کیفری خفیف تر مثل قرار کفالت یا قرار التزام، تناسب بیشتری با اتهامات انتسابی دارد ولی سعی وافر بر این است که با صدور و تحمیل چنین وثیقه‌هایی - که گاه به توصیه‌ی دوائر امنیتی صورت می‌گیرد - یا در توثیق آن دچار مشکل شوند و یا به لحاظ عجز از توثیق وثیقه، راهی زندان شوند. در هر دو صورت، هدف اصلی، خلل در انگیزه و اراده‌ی متهمان سیاسی است که در بیشتر مواقع، مفید فائده واقع نشده و بر عزم جدی فعالان سیاسی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. با توجه به تجربه‌ی شخصی خودم، اکثر موکلین سیاسی‌ام در توثیق وثیقه‌ها با مشکل مواجه بودند و وقتی در مقام اعتراض به قضات صادرکننده‌ی این وثیقه‌ها، مبنی بر عدم تناسب وثیقه با اتهام انتسابی حتی با توجه به قوانین کیفری جمهوری اسلامی بر می‌آمدم، اظهار می‌داشتند که مصلحت چنین اقتضا می‌کند. پاسخ من به چنین اظهار نظری این بود که مصلحت را قانون تعیین می‌کند نه اشخاص!

فرهاد ثابتان:

صدور وثیقه‌های سنگین روند رسیدگی

به پرونده بهاییان را ناعادلانه تر می‌کند



جواد عباسی توللی

شهروندان بهایی به عنوان بزرگترین گروه اقلیت مذهبی پس از مسلمانان اهل سنت در ایران شناخته می‌شوند که در دو قرن اخیر و به ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷، همواره با آزار و اذیت و سرکوب روبه‌رو بوده‌اند.

پیروان دیانت بهایی از زمان روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی در ایران، تحت فشار و ارباب قرار دارند و از بسیاری حقوق شهروندی خود از جمله حق تحصیل، حق اشتغال و حق برگزاری آزادانه مراسمات مذهبی خود محرومند.

در طول دهه‌های گذشته بسیاری از این شهروندان با اتهامات واهی از جمله «ارتباط با دول متخاصم» و «اقدام علیه امنیت ملی» به زندان افتاده‌اند. در این میان اما قضات دادگاه انقلاب در جریان رسیدگی به پرونده این شهروندان، با «صدور وثیقه‌های سنگین» و چند میلیاردی، آن‌هم در شرایطی که بسیاری از بهاییان ایران از فعالیت اقتصادی محروم شده‌اند، سعی در اعمال فشار مضاعف بر پیروان این دیانت داشته‌اند. «حقوق ما» برای بررسی بیشتر این روش از سرکوب مضاعف که از سوی قوه قضاییه ایران اعمال می‌شود، با فرهاد ثابتان، سخنگوی جامعه بین‌المللی بهاییان و استاد دپارتمان اقتصاد در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: قوه قضاییه چگونه از این مکانیسم برای سرکوب بیشتر شهروندان بهایی بهره برده است؟ آیا وثیقه‌های

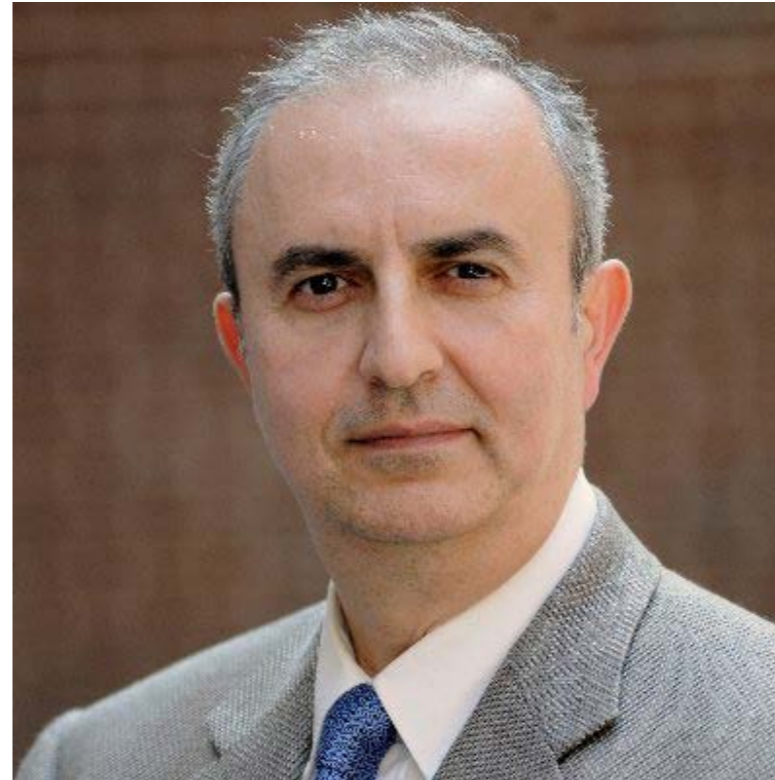
سپرده شده به دادگاه‌ها آزاد و رفع توقیف می‌شوند؟

ثابتان: به‌طور کلی، زمانی‌که یک بهایی را به اتهامات واهی بازداشت می‌کنند، فقط با صدور وثیقه‌های بسیار سنگین اجازه آزادی به او داده می‌شود تا بتواند به‌صورت موقت آزاد باشد. در بیشتر موارد، مبلغ این وثیقه‌ها به قدری بالاست که یک نوع خفقان اقتصادی برای بهاییان به وجود می‌آورد. به‌عنوان مثال، تا زمانی‌که این وثیقه در اختیار و در دسترس مالک قرار ندارد، امکان فروش یا گرفتن وام از بانک برای امورات روزمره از آن‌ها سلب می‌شود و با یک محدودیت شدید اقتصادی مواجه می‌شوند.

میزان این وثیقه‌ها در برخی موارد به قدری بالاست که بهاییان استطاعت پرداخت و تأمین آن را به دلیل نداشتن منابع مالی ندارند. به همین دلیل مجبور می‌شوند از دوست و آشنا تقاضا کنند یا به طور کلی از تأمین آن باز می‌مانند و در بازداشت باقی می‌مانند.

نکته دیگر این است که حتی هنگامی‌که سند ملکی را به وثیقه می‌گذارند، مدت زمان رسیدگی به پرونده آنچنان به طول می‌انجامد که فرد متهم یا وثیقه‌گذار، از فعالیت اقتصادی محروم می‌شود و امکان رسیدگی به زندگی روزمره از او سلب می‌شود.

همچنین نسبت این وثیقه‌ها به اتهاماتی که زده می‌شود بسیار ناعادلانه و غیرمنصفانه است. ما می‌دانیم که میزان وثیقه با اتهام انتسابی باید متناسب باشد. به عنوان مثال مقدار وثیقه صادر شده در رابطه با اتهام قتل باید خیلی بیشتر از میزان صدور وثیقه در رابطه با مثلاً اتهامات ناوارد و ناصحیح



اخلال در امنیت عمومی که به بهاییان منتسب می‌کنند، باشد. برای نمونه، یک شخص بهایی ممکن است صرفاً به خاطر داشتن یک کتاب مجبور شود سند خانه‌اش را وثیقه بگذارد. بنابراین نسبت اتهامات وارده با میزان وثیقه‌های تعیین شده، بسیار بسیار نامتناسب است. اخیراً یک بهایی کانادایی که به ایران سفر کرده بود، مجبور به تأمین چهار میلیارد تومان (حدوداً ۱۶۰ هزار دلار) وثیقه شد. این میزان قرار وثیقه برای اتهاماتی که کاملاً بی اساس است و در دادگاه‌ها هم نتوانستند هیچ شواهدی برای آن ارائه دهند، ناعادلانه است. با تمام آنچه که اشاره شد، نتیجه می‌گیریم هدف از صدور چنین وثیقه‌های جهت اعمال محدودیت و خفقان اقتصادی بهاییان است که نتوانند فعالیت‌های اقتصادی خود را ادامه دهند.

حقوق ما: آیا در رابطه با رفع توقیف و آزاد شدن وثیقه‌ها پس از پایان محکومیت شهروندان بهایی، اطلاعی دارید؟ آیا وثیقه‌ها به آن‌ها بازگردانده می‌شود؟

ثابتان: تا آنجا که اطلاع داریم، وثیقه‌ها بعد از مراحل دادگاه و بعد از اعلام محکومیت، بازگردانده شده است. ولی وثیقه‌های سنگین که با نوع اتهام تناسبی ندارد و روند دادگاه بسیار طولانی است، سختی‌ها و مشکلات زیادی برای بهاییان ایجاد کرده است. تا آنجا که ما اطلاع داریم وثیقه‌ها بازپرداخت شده است. اطلاعی در این زمینه که قوه قضاییه وثیقه‌های تأمین شده را در چه حسابی قرار می‌دهد، نداریم. در ایران، در تمام مراحل دادرسی و از زمانی که به منزل یک شهروند بهایی هجوم می‌برند و املاک و اموال او را مصادره و او بازداشت می‌کنند تا وقتی که دادرسی پایان می‌یابد و ممکن است ماه‌ها به طول بیانجامد، این مسأله کاملاً مشخص شده که تنها جرم آن‌ها، بهایی بودنشان است و هیچ ارتباطی با اتهاماتی نظیر «اقدام علیه امنیت ملی یا اخلال در نظم و امنیت عمومی» ندارد چراکه هیچ مدرکی هم در این زمینه وجود ندارد. مسأله امنیت بالاخره باید در قانون تعریف شناخته شده‌ای داشته باشد اما در قوه قضاییه ایران با ارائه یک تعریف وسیع، آن را دستاویز قرار می‌دهند. این مسأله فقط مختص بهاییان نیست و در رابطه با هر کسی با ایده و آرا متفاوت و زندانیان سیاسی استفاده می‌شود. از نظر مقامات حکومتی ایران، همه آن‌ها مخل امنیت ملی هستند صرفاً به جهت اینکه باور و ایده خاص خودشان را دارند.

حقوق ما: در سال‌های گذشته، بسیاری از شهروندان بهایی را با اتهام «ارتباط با دولت اسرائیل» بازداشت و روانه

صدور وثیقه‌های سنگین برای متهمان سیاسی؛ غیر قانونی و برخلاف روح قوانین

بازداشت غیرقانونی افراد تأکید شده است. در این قوانین بر روی این مسأله تأکید می‌شود که بازداشت افراد حتماً باید مستند به قوانین مدون، به دستور مقامات قضایی، مستند به دلایل مشخص و بر اساس روند قانونی هر کشور باشد چراکه قوانین کشورها در این زمینه متفاوت است. در حقیقت هدف این است که دستگاه و نظام قضایی کشورها، مسئولیت بازداشت افراد را بپذیرند. در این صورت است که می‌توان نظام قضایی هر کشور را پاسخگو کرد و اگر اتفاقی برای فرد بازداشت شده بیافتد، می‌توان مرجع قضایی را به رعایت قانون مجبور کرد.

در قوانین داخلی ایران هم بحث وثیقه بیشتر معطوف به زمانی است که مقام قضایی به دلایلی تشخیص می‌دهد که آزادی متهم بر اساس قواعد و مشخصاتی که در قانون به آن اشاره شده، به صلاح نیست (در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری به این مسأله اشاره شده است). به این معنا تشخیص داده می‌شود که متهم به دلایلی باید در بازداشت بماند یا در مواردی که بازداشت متهم و ماندنش در بازداشت ضرورتی ندارد، برای اطمینان از دسترسی پایدار به متهم و جلوگیری از فرار او، قرار وثیقه صادر می‌شود. به عبارت دیگر در چنین شرایطی وثیقه صادر می‌شود تا متهم بتواند از حق آزادی خود بهره‌مند شود. در نتیجه هدف از صدور قرار وثیقه

قوه قضائیه ایران، اغلب مخالفان سیاسی را پس از بازداشت توسط نهادهای امنیتی به عنوان اتهامی‌ای نظیر «اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی» متهم می‌سازد تا از این طریق، بهانه برای صدور وثیقه‌های سنگین متناسب با اتهامات انتسابی را بیابد.

به‌کارگیری وثیقه به‌عنوان ابزاری برای سرکوب مضاعف فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر توسط قوه قضائیه در حالی است که در اصول ۲۲، ۳۲، ۳۹، ۳۷ قانون اساسی ایران، به صراحت بر موضوع حفظ کرامت انسانی افراد و عدم توقیف غیرقانونی اشخاص تأکید شده است.

صدور وثیقه‌های سنگین برای متهمان سیاسی در ایران به‌هیچ‌عنوان با فعالیت‌های مسالمت‌آمیز آنها تناسبی ندارد. «حقوق ما» برای بررسی بیشتر این موضوع با معین خزانلی، حقوق‌دان و روزنامه‌نگار ساکن سوئد، گفت‌وگو کرده است.

سوال: چگونه وثیقه‌های سنگین به یک وسیله سرکوب و ابزار فشار تبدیل شده است؟ آیا صدور وثیقه‌های سنگین برای فعالان سیاسی، اجتماعی، صنفی و مدنی مبنای قانونی دارد؟
معین خزانلی: موضوع وثیقه در قوانین بین‌الملل به حق آزادی مربوط می‌شود. به‌ویژه اینکه در قوانین یاد شده بر ممنوعیت

صرفاً دسترسی به متهم است. ضمن اینکه باید در نظر داشت افرادی که برای شان وثیقه صادر می‌شود، صرفاً متهم هستند و هنوز مجرمیت آنها ثابت نشده است.

با توجه به اینکه اصل کلی در قواعد و قوانین حقوقی، بر براءت است، اعمال قرار وثیقه یا صدور قرار بازداشت، صرفاً در راستای دسترسی به متهم است. یعنی قانوناً نه جنبه مجازات و نه جنبه اعمال فشار دارد.

حقوق ما: برای زندانیان سیاسی معمولاً وثیقه‌های سنگینی در نظر می‌گیرند. آیا این رویکرد متناسب با اتهامات منتسب به این زندانیان است؟ حوزه اختیارات قاضی در تعیین وثیقه چقدر است؟

همانطور که قبلاً اشاره کردم، بر اساس قانون، هدف از تعیین قرار وثیقه و تمام قرارهای تنوین قضایی، به نحوی که در ماده ۲۱۳ قانون دادرسی کیفری هم آمده، دسترسی به متهم، حضور به موقع متهم در روند دادرسی و جلوگیری از فرار و مخفی شدن او است. نکته مهم‌تر آنکه در جایی که شاکی خصوصی وجود داشته باشد، تضمین حقوق بزه دیده و جبران خسارت مد نظر است اما ما شاهد هستیم که نظام قضایی جمهوری اسلامی، در قریب به اتفاق همه موارد، برای فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر، فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران و فعالان محیط زیست، قرارهای وثیقه‌ای صادر می‌کند که نه عرفاً و عدلاً منطقی نیست.

به عنوان مثال برای اتهام نشر اکاذیب یا برای اتهام توهین به اشخاص، برای روزنامه‌نگاران، قرار وثیقه میلیاردی صادر می‌کند. در این‌گونه موارد بر اساس متن قانون، این اقدام غیرقانونی نیست و قضات با توجه به تشخیص شرایط و اینکه لزوم صدور قرار وثیقه وجود دارد یا خیر، اقدام به این کار می‌کنند.

در ایران، اتهامات انتسابی به فعالان مدنی، فعالان سیاسی، فعالان محیط زیست و روزنامه‌نگاران، همه زیرمجموعه جرائم امنیتی قرار می‌گیرند و به سادگی برای آنها دستور بازداشت صادر می‌شود. پس از صدور دستور بازداشت به متهم گفته می‌شود که شرط آزادی او، تأمین وثیقه شده است. اگر شخص امکان تأمین قرار وثیقه را نداشته باشد، در بازداشت می‌ماند.

یک اصل بسیار کلی در حقوق وجود دارد بر این مبنا که جرم و مجازات باید با هم در تناسب باشند و روندهای حقوقی باید با هم تناسب داشته باشند. به عنوان مثال اگر جرم کسی رد شدن از چراغ قرمز است نمی‌توان او را به مدت یک ماه بازداشت کرد چراکه این جرم اساساً هیچ تناسبی با قرار تأمینی که صادر می‌شود ندارد. درباره بقیه جرایم هم به همین صورت است.

نشر اکاذیب، توهین به افراد، فعالیت‌های حقوق بشری و مواردی از این دست، بر اساس قوانین، هیچ‌کدام تناسبی با قرارهای طولانی مدت بازداشت ندارند. سال گذشته شاهد بودیم که بازداشت شارمین میمندی نژاد بیش از سه ماه به طول انجامید. هیچ دلیلی هم ارائه نمی‌دادند. از دلیل بازداشت و طول مدت زمان بازداشت هیچ مستند قانونی از سوی دادستانی ارائه نشد. حتی دلیلی مبنی بر اینکه چرا تبدیل به قرار وثیقه نمی‌کنند، ارائه ندادند. همه این‌ها به این دلیل است که بر متهمان فشار بیشتری وارد کرده و از دسترسی متهم به وکیل جلوگیری کنند.

ما می‌دانیم که در جرائم امنیتی بر اساس تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال‌های گذشته اضافه شد، متهمان امنیتی در مرحله مقدماتی اجازه دسترسی به وکیل ندارند. این موضوع از جمله راه‌هایی است که دستگاه قضایی با صدور قرارهای بازداشت طولانی مدت، تلاش دارد تا از دسترسی متهم به وکیل ممانعت کند.

اگر پرونده یک متهم سیاسی خیلی زود جمع‌بندی شده و به دادگاه فرستاده شود، آن وقت قضات از لحاظ قانونی موظف هستند که اجازه دهند متهم به وکیل خود دسترسی داشته باشد. اما در مورد قرار بازداشت‌های طولانی مدت این اتفاق نمی‌افتد. زمانی که این قرارهای بازداشت صادر می‌شود، به تبع قرارهای وثیقه‌ای صادر می‌شود که متهم نتواند آن‌ها را تأمین کند. بعد از آن خیلی راحت می‌گویند که ما به متهم این اختیار را دادیم اما متهم توان تأمین آن را نداشت. در حقیقت توپ را در زمین متهم می‌اندازند. برای یک روزنامه‌نگار تأمین قرار وثیقه سه یا چهار میلیاردی برای اتهام نشر اکاذیب به هیچ وجه با اتهام انتسابی و شرایطی که قانون آیین دادرسی کیفری برای صدور وثیقه مشخص کرده، تناسب ندارد.



روزنامه‌نگاران قرار بازداشت صادر می‌شود؟ چراکه آزاد بودن این افراد، خللی در نظم جامعه وارد نمی‌کند.

به عنوان مثال آزاد شدن روزنامه‌نگاری که مثلاً به اتهام نشر اکاذیب بازداشت شده، نه موجب از بین رفتن آثار و ادله می‌شود چراکه مطلب مورد نظر قبلاً منتشر شده و در دسترس است، نه امکان فرار کردن و مخفی شدن را دارد چراکه محل کارش مشخص است و اینکه آزاد بودن او خللی در نظم عمومی جامعه هم ایجاد نمی‌کند. در نتیجه قرار بازداشتی که صادر شده صرفاً برای اعمال فشار بر متهم است. اگر نیازی به قرار بازداشت نباشد بنابراین نیازی هم به وثیقه وجود نخواهد داشت. در نتیجه قرار بازداشت را به عنوان یک عامل ابتدایی و یک عامل فشار صادر می‌کنند و بعد آن را به قرار وثیقه مستند می‌کنند. یعنی این اختیار را به متهم می‌دهند که وثیقه یک یا دو میلیاردی را تأمین کند و آزاد باشد و این برخلاف اصل تناسب جرم و مجازات است.

واضح است که یک روزنامه‌نگار [با آن میزان از درآمد] نتواند قرار وثیقه یک میلیارد تومانی یا بیشتر را تأمین کند. ما شاهد هستیم که اینجا در حقیقت استفاده‌ای که از تخصیص قانونی وثیقه و قرارهای تأمینی می‌شود، استفاده غیرقانونی و برخلاف روح قوانین است چراکه به عنوان ابزار فشار از آن استفاده می‌شود. ضمن اینکه طبق ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت سه شرط دارد: ۱. آزاد بودن متهم موجب شود که ادله و آثار و مستندات اثبات جرم از برود. ۲. متهم امکان مخفی شدن یا فرار کردن نداشته باشد. ۳. آزاد بودن متهم باعث اخلال در نظم عمومی شود.

محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه به تازگی اعلام کرده است متهمان و مجرمانی که آزاد بودنشان باعث اخلال در امنیت می‌شود و جرایم خشن مرتکب شده‌اند، مرخصی و قرار وثیقه به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. وکلای مستقل دادگستری هم در واکنش به این گفته‌ها اعلام کردند چرا برای فعالین مدنی یا



حسن نایب هاشم: وقتی وثیقه ابزار گروگان‌گیری است؛ باید با قوانین ناعادلانه مقابله کرد

نظام قضایی ایران از مکانیسم وثیقه به‌عنوان ابزاری برای به گروگان گرفتن حق آزادی افراد سوء استفاده می‌کند. این در حالی است که حق آزادی، از جمله حقوق ذاتی و اولیه هر انسان محسوب می‌شود که در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است.

طبق ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است. همچنین به‌موجب ماده ۹ اعلامیه یاد شده، هیچ‌کس نباید مورد توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه قرار گیرد.

قراردادهای تأمین کیفری، به‌طور کلی یک نوع قرار محدود کننده به منظور آزادی می‌باشند که باعث ضمانت متهم برای حضور در مراحل تحقیقات، محاکمه و اجرای حکم هستند تا زمانی که متهم احضار می‌گردد، در زمان معین حاضر و در دسترس قرار داشته باشد.

در تعاریف حقوقی قرار وثیقه، به وجه مال و یا دارایی غیر منقول گفته می‌شود که در ازای شرایط موجود، نزد طرف قرارداد یا دادگاه به‌عنوان ضمانت گذاشته می‌شود.

چرا قوه قضائیه ایران، وثیقه را به ابزار سرکوب فعالان مدنی و سیاسی تبدیل کرده است؟ آیا چنین رویکردی در کشورهای دیگر هم سابقه داشته است؟ در چنین شرایطی، چه راهکاری

زندگی خود فرار کند مگر اینکه به کشورهای هم‌چون ایران پناه ببرد که نظام حقوقی استانداردی ندارند. در این‌گونه مواقع وثیقه می‌تواند متناسب با جرم صادر شود.

در ایران صدور وثیقه، ابزاری در جهت سرکوب و به‌گونه‌ای گروگان‌گیری و اعمال فشار زیاد در جهت ساکت کردن معترضان سیاسی است. در ایران از زمانی که یک معترض دستگیر می‌شود، تلاش‌های زیادی برای خنثی کردن او صورت می‌گیرد. ابتدا با گرفتن اعتراف اجباری و انتساب اتهامات سنگین بر مبنای همان اعترافات، احکام سنگین صادر می‌کنند تا بدین طریق او را به سکوت بکشانند. در حقیقت انتساب اتهام‌های سنگین بستر ساز صدور وثیقه‌های سنگین هم می‌شود.

در قوه قضائیه، صدور وثیقه‌های سنگین برای فعالان مدنی و سیاسی به یک روال تبدیل شده است. اخیراً برای امیرحسین مرادی، از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری آن‌ان که به بیماری پوستی بسیار جدی هم مبتلاست و شرایط زندان باعث پیشرفت بیماری او شده و این امکان وجود دارد که به عفونت خونی بیانجامد و خطر جدی برای او ایجاد کند، چهار میلیارد تومان وثیقه تعیین شده است. این در حالی است که حتی با وجود سپردن سند دو خانه مسکونی به‌عنوان وثیقه، میزان وثیقه صادر شده توسط دادگاه تأمین نشده است. در چنین شرایطی دست‌کم سند مالکیت چند وثیقه‌گذار لازم است. حتی در این شرایط بسیار دشوار، مبلغ وثیقه را متناسب با امکانات خانواده تعیین نکرده‌اند و بدین ترتیب اطرافیان و خانواده متهم را تحت فشار قرار داده‌اند.

مراجع قضایی ایران با صدور وثیقه‌های سنگین در حقیقت

متهمان را تحت فشار قرار می‌دهند تا برای رفع توقیف از اموال وثیقه‌گذار هم که شده، او هر چه زودتر خودش را به زندان معرفی کند. همچنین افراد وثیقه‌گذار ممکن است در شرایطی باشند که بخواهند وثیقه هرچه زودتر به آن‌ها بازگردانده شود. بنابراین مجموعه شرایط منجر به قرار گرفتن متهم در فشار روانی می‌شود. او باید مدام به وثیقه‌گذار تضمین دهد که در دسترس است. در چنین شرایطی معمولاً افراد خانواده سعی می‌کنند وثیقه را تأمین کنند اما به این معنی نیست که آن‌ها توان تأمین مالی وثیقه را دارند چرا که ممکن است حاصل دسترنج عمرشان را برای تهیه یک منزل گذاشته باشند لاجرم در این شرایط ریسک می‌کنند. در مواردی دیده می‌شود که اگر احياناً فردی خودش را مجبور به مهاجرت ببیند و به خارج از کشور برود، اموالی که به‌عنوان وثیقه به دادگاه سپرده شده، توقیف شده است.

مقایسه این شرایط در ایران با سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد، روندهای قضایی در کشور نسبت به سایر کشورهای دنیا نامتعارف است.

مقامات قضایی ایران معمولاً یک الگو و نمونه حقوقی از سایر کشورها را انتخاب می‌کنند اما در روندهای فراقضایی آن را به ابزار سرکوب، بدرفتاری، شکنجه و رفتاری خارج از رعایت کرامت انسانی تبدیل می‌کنند.

حقوق ما: در چنین شرایطی چه راهکاری پیش روی جامعه مدنی است؟ گاهی دیده می‌شود برخی از فعالان صنفی با تشکیل صندوق‌هایی سعی در تأمین وثیقه‌های تعیین شده برای زندانیان سیاسی دارند. به نظر شما چنین اقداماتی تا چه میزان راهگشا است؟

نایب هاشم: صندوق‌ها می‌توانند کمک کنند. البته کمک این صندوق‌ها قطره‌ای بر سنگ داغ است. از یک طرف میزان وثیقه‌ها بسیار بالاست و از سوی دیگر تعداد فعالین مدنی در بند، زیاد است.

یکی از راه‌هایی که برخی از فعالان پیدا کرده بودند، استتکاف از پرداخت وثیقه بود. وثیقه تنها یکی از امکانات مطرح در

دادگاه‌هاست و طبق قانون، امکانات دیگری از جمله التزام به حضور و قول شرف و تعیین وجه التزام معین مطابق ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد. داشتن وکیل و وجه الوکالت هم امکانات دیگری هستند. از سوی دیگر ما با قوه قضاییه فاسدی در ایران سروکار داریم که از طریق اخذ وثیقه توانسته اموال بسیاری از متهمان را مصادره کند تا امکانات مالی‌اش را گسترش دهد. به همین دلیل هم بر سپردن قرار وثیقه تأکید می‌کنند.

به نظر من، مدافعان حقوق مدنی اما باید بر التزام به حضور تأکید داشته باشند. اگر هر چه بیشتر این موضوع در جامعه طرح شود و افراد مبارزه علنی را پیش بگیرند و به رغم دشواری‌های احتمالی بر این تأکید داشته باشند که بیگناهند و بنابراین دلیلی بر خروج از کشور وجود ندارد، امکان دارد که به مرور زمان دست قوه قضاییه هم بسته شود.

وجود صندوق‌ها و کمک‌ها بسیار خوب است اما به عنوان یک روال نباید پذیرفته شود و باید با کل قوانین و شرایط ناعادلانه مبارزه کرد چراکه در غیر این صورت این روند ادامه‌دار خواهد بود و تشدید خواهد شد.

به‌عنوان مثال، اگر در این صندوق‌ها جمع‌آوری مبالغی در حد متعادل برای تأمین دیه و برای حفظ حق زندگی در پرونده‌های مربوط به قصاص باشد، تا حدی قابل پذیرش است اما اگر این اقدام در واکنش به اقدامات بیش‌خواهانه قوه قضاییه صورت بگیرد، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست و باید تلاش‌ها بر اصل موضوع یعنی لغو مجازات اعدام متمرکز شود. در رابطه با مسأله وثیقه هم به همین ترتیب است. باید تلاش کرد تا هرچه بیشتر فعالین مدنی ریسک حرکت خود را بپذیرند و در عین حال قبول کنند که به رغم شرایط موجود به این دلیل که تنها فعالیت مدنی داشتند از کشور خارج نشوند و بر حق خود پای بفشارند. به عنوان یک روش نیم‌بند و حرکتی که تا حدی تسکین دهنده است قطعاً می‌توان از امکان صندوق‌های مشارکتی برای کمک به فعالان استفاده کرد اما چنین اقداماتی نمی‌تواند به‌عنوان یک راهکار اصلی در نظر گرفت.

پروین محمدی: وثیقه‌های سنگین نتوانست

اعتراضات کارگران را متوقف کند

حقوق ما: قوه قضاییه از چه طریقی می‌تواند با صدور وثیقه سنگین و گروکشی وثیقه‌ها بر روند فعالیت فعالان کارگری تأثیر بگذارد؟ تاکنون به چه ترتیب از این ابزار برای سرکوب و اعمال فشار بیشتر بر شما و سایر فعالان کارگری استفاده کرده‌اند؟

پروین محمدی: از ابتدا من یا دیگر فعالان کارگری و مدافعان حقوق زنان، هر زمان بازداشت و گرفتار قوه قضاییه شدیم، این مسأله مشهود بود. برای هیچ‌کدام از فعالان، وثیقه متناسب با اتهامات انتسابی تعیین نمی‌کنند. یکی از دلایل اصلی این رفتار قضات دادگاه این است که می‌خواهند زندانی را در دوره بازداشت موقت و بازجویی نگه دارند و به این ترتیب فشار بیشتری بر او وارد کنند.

همچنین یکی دیگر از دلایل صدور وثیقه‌های سنگین در دادگاه‌ها برای این است که کسی برای سپردن وثیقه پیدا نشود. غالب فعالان کارگری از طبقه کارگر و طبقه متوسط رو به پایین هستند. اطرافیان معتمد که حاضر به گذاشتن وثیقه برای فرد بازداشت شده می‌شوند در سطح و طبقه‌ای قرار ندارند که املاکشان با وثیقه صادر شده مطابقت داشته باشد.

به‌عنوان مثال، وثیقه‌ای که برای جعفر عظیم‌زاده در سال ۹۵ از طرف من به دادگاه سپرده شد، همچنان در ضبط کامل است. مقامات قضایی اتفاقاً به این ترتیب عمل می‌کنند تا

صدور وثیقه‌های سنگین یکی از معضلات خانواده زندانیان سیاسی در این روزها است. در حقیقت قوه قضاییه تلاش دارد تا با سوء استفاده از قوانین مصوب داخلی، قرار وثیقه را به ابزاری برای سرکوب مضاعف فعالان سیاسی و مدافعان حقوق بشر تبدیل کند.

از سوی دیگر، قضات دادگاه انقلاب برای اعمال فشار بیشتر بر زندانیان سیاسی و فعالان مدنی، با تهدید به توقیف وثیقه، وثیقه‌گذاران را هم وادار می‌کنند که برای جلوگیری از گروکشی اموالشان هم که شده، به نوعی در تحویل دادن متهمان سیاسی برای اجرای احکام، با مراجع قضایی هم‌دستی کنند.

همچنین تحمیل هزینه‌هایی نظیر کارشناسی سند برای وثیقه و حتی رفت و آمد به دادگاه‌ها و زندان‌ها بر خانواده زندانیان سیاسی، آن‌هم در شرایطی که ممکن است به دلیل تحمل ماه‌ها بازداشت سرپرست خانواده، منبع درآمد خانواده قطع شده باشد، یکی دیگر از راه‌های اعمال فشار مضاعف بر زندانیان سیاسی محسوب می‌گردد.

پروین محمدی، فعال شناخته شده کارگری در ایران، درباره تجربیات خود در زمینه سوء استفاده دادگاه انقلاب از صدور وثیقه‌های سنگین برای سرکوب بیشتر فعالان کارگری با «حقوق ما» گفت‌وگو کرده است.

و به نظر من تأثیر زیادی هم بر روحیه خود فعال می‌گذارد. اتهامات امنیتی همچون اجتماع و تبانی را تقریباً به اکثر فعالان صنفی و اجتماعی و سایر فعالان مدنی منتسب می‌کنند. با همین اتهام اجتماع و تبانی هم احکام پنج سال حبس به بالا صادر می‌کنند. هر چه حکم سنگین‌تری صادر شود، وثیقه هم در مطابقت با حکم سنگین‌تر می‌شود. مقامات قضایی مشروعیت این امر را هم از قانون‌شان می‌گیرند و همواره اعلام می‌کنند چون حکم صادر شده سنگین است، باید وثیقه متناسب با اتهامات وارده باشد. بدین ترتیب اتهامات واهی متفاوت و زیادی را به فعالان وارد می‌کنند تا بتواند بهانه مشروعی در صدور وثیقه‌های سنگین باشد و متهمان را تحت فشار مضاعف قرار دهند.

حقوق ما: صدور وثیقه‌های سنگین و فشارهایی از این دست تا چه میزان بر فعالیت کارگران، همبستگی آن‌ها و سرکوب فعالان کارگری مؤثر بوده است؟

من فکر می‌کنم که این ابزار تاکنون به هیچ‌وجه مؤثر نبوده است. همان‌طور که شاهد هستیم، نه اعتراضات متوقف شده و نه فعالان کارگری در مواجهه با چنین چالش‌هایی دست از فعالیت کشیده‌اند. به عنوان مثال، در پرونده علی اسحاق، فعال کارگری، در ابتدا ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه تعیین شد. او توانایی تأمین آن را به دلایل مختلفی نداشت و به همین دلیل یک سره در زندان ماند. این فعال کارگری پذیرفت که در زندان بماند تا برگزاری دادگاه و صدور حکم آزاد نشود.

فعالان کارگری و اجتماعی پذیرفته‌اند که با وجود تمام این فشارها حرف‌شان را بزنند. حرف و پیام آن‌ها پایه‌ای و اساسی است. ما کارگران در قعر زیرزمین جامعه قرار داریم و تلاش می‌کنیم ابتدایی‌ترین حقوقی را که بشر امروز و حتی همسایگانی همچون عراق و ترکیه به دست آورده‌اند را به دست آوریم. ما از تشکل‌سازی و هرگونه فعالیت هم محرومیم. جنبش کارگری ایران تا الان نشان داده که ایستادگی خواهد کرد و هیچ کدام از این مشکلات نتوانسته مانع مطرح شدن مطالبات پایه‌ای و اساسی کارگران باشد.



قوه قضاییه فکر می‌کند که ممکن است در انجام پروسه بازداشت متهمان سیاسی متحمل هزینه و شکست در بازداشت شود و به همین دلیل بر وثیقه‌گذار فشار می‌آورد. از آنجایی که من، حاضر نشدم جعفر عظیم‌زاده را به زندان معرفی کنم و زیر اخطار قضایی نوشتم که من پلیس سیستم نیستم و موظف به معرفی و تحویل دست بسته یک فعال کارگری تنها به دلیل اینکه سند خانه‌ام از ضبط شما آزاد شود، نیستم. همین امر باعث شد که جرمی را برای من به عنوان وثیقه‌گذار به دلیل عدم همکاری با قوه قضاییه تعیین کنند. می‌توان گفت این مسأله هم وثیقه‌گذار و هم بر متهم فشار وارد می‌کند

فشار می‌آورد تا همچون یک همکار پلیس عمل کند و به جای نیروهای امنیتی، متهم را تحویل زندان دهد. نسبت وثیقه‌گذار و متهم که نسبت مال باخته و یک دزد و قاتل نیست که به راحتی با پلیس و اطلاعات همکاری کند و فرد متهم را به دامن آن‌ها بیندازند. وثیقه‌گذار یک فرد سیاسی یا فعال کارگری و اجتماعی، خودش هم به نوعی دل در گرو این فعالیت اجتماعی و مدنی دارد و می‌داند که ابتدایی‌ترین حق، حق اعتراض جامعه است. قوه قضاییه اما وثیقه‌گذار را مجبور و موظف به معرفی زندانی می‌کند. بعد از آن اخطارهای متعددی برای وثیقه‌گذار ارسال می‌کنند.

خبر این فشارها به گوش افراد دیگر هم برسد و دیگر تمایلی به گذاشتن وثیقه نداشته باشند. این رفتار قضات، برای افراد معتمد و کسانی که حاضر می‌شوند علی‌رغم خطرات امنیتی برای متهمان سیاسی وثیقه بگذارند این پیام را دارد که آنها با قوه قضاییه‌ای مواجهند که ممکن است وثیقه‌ای که برای یک فعال سیاسی گذاشته می‌شود را برای مدت زمان طولانی در بلا تکلیفی و ضبط کامل قرار دهند. همچنین به غیر از میزان وثیقه، تاریخ مشخصی برای بسته شدن پرونده و آزاد شدن وثیقه وجود ندارد. به همین دلیل افراد کمی حاضر می‌شوند که سند ملکشان را به عنوان وثیقه برای فعالان سیاسی و مدنی در اختیار مراجع قضایی قرار دهند. هر کسی زندگی شخصی و گرفتاری‌های خودش را دارد. به هر حال ملک هر کس یک دارایی‌ای است که در مواجهه با مشکلات، افراد تصمیم به تغییر آن می‌گیرند. این ملک وقتی وارد پروسه وثیقه‌گذاری می‌شود، به عنوان مثال شاید بیش از پنج- شش سال خارج از اختیار مالک قرار و در اختیار قوه قضاییه باقی می‌ماند بدون اینکه مالک بتواند کاری انجام دهد.

برای نمونه، در سال ۱۳۹۵ برای اعطای مرخصی پنج روزه به جعفر عظیم‌زاده، وثیقه‌ای به ارزش سنگین ۵۰۰ میلیون تومان صادر شد. سند منزل شخصی من به تنهایی جوابگوی این وثیقه نبود. با چانه زدن از کارشناسان خواستیم که ارزش ملک را بالاتر و تا ۲۰۰ میلیون تومان در کنار خانه دیگری در تهران به میزان ۳۰۰ میلیون ارزیابی کنند. به این ترتیب دو ملک را به عنوان سند وثیقه به سختی گیر آوردیم تا یک مرخصی پنج روزه برای این فعال کارگری از زندان صادر شود. هنوز که هنوز است و با وجود اتمام دوران حبس جعفر عظیم‌زاده، وثیقه من به صرف عدم همکاری با قوه قضاییه در معرفی متهم، آزاد نشده و در توقیف قوه قضاییه است.

مورد دیگر این است که من تصور می‌کردم که وثیقه‌گذار فقط برای جلوگیری از خروج متهم از کشور وثیقه می‌گذارد. مثلاً چون من مطمئن بودم که جعفر عظیم‌زاده از کشور خارج نخواهد شد و فرد متعهدی است، سند را به عنوان وثیقه تسلیم قوه قضاییه کردم. قوه قضاییه اما همواره به وثیقه‌گذار



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net